



نگاهی بر پیامد جنگهای ایران و روس

فاطمه قاضیها

ترتیب داد تا درباره صلح یا ادامه جنگ با روسها به مشورت بپردازند، در این مجلس تقریباً عقیده عموم به ادامه جنگ بود (۵). میرزا محمد تقی سپهر، در مورد تجمع عسای طراز اول و تصمیم به جهاد در آن مجلس می نویسد که جمله مجتهدین که در انجمن بودند به اتفاق فتوی راندند که هر کس از جهاد با روسیان خودداری نماید از اطاعت یزدان سربرتاخته و از شیطان تابعیت کرده باشد (۶). روسها نیز که در این دوران تازه از جنگهای خود در اروپا فراغت یافته بودند و طرحهای نو برای دست اندازی به سرزمین ایران داشتند، (۷) شعله ور شدن آتش جنگ را مغایر با برنامه های خود نمی دیدند.

مجموعه شرایط مزبور در فوق بود که بالاخره و در سال ۱۲۴۱ ه. ق منجر به بروز جنگهای دوم ایران و روس گردید.

در سالهای ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ قمری پیروزی بیشتر نصیب سپاهیان ایران گردید، ولی در سال ۱۲۴۲ با در دست گرفتن عملیات جنگی توسط اسکوبیچ، حملات تعرضی ارتش روسیه به قلعه های نظامی

پس از عقد عهدنامه گلستان بین دو کشور ایران و روسیه که به دنبال جنگهای ده ساله (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ه. ق) انعقاد یافته بود، به علت ابهامانی که هنوز در مورد خطوط سرحدی وجود داشت، یک سلسله روابط منشعب سیاسی نظیر متاروب بین دو کشور ایجاد گردید و به دنبال تجاوزهایی که گاه از طرف روسیه به ایران صورت می گرفت، در سال ۱۲۴۱ ه. ق ناحیه گوگچه (۱) را متصرف گردیدند. دولت ایران نسبت به تصرف گوگچه و همچنین بدرفتاری با مسلمانان آنجا به دولت روسیه شدیداً اعتراض کرد و در پی آن پرنس متچیکوف از طرف نیکلا (امپراتور جدید روسیه) به دربار ایران فرستاده شد، تا در خصوص اعتراض ایران رسیدگی نماید (۲). اما خشونی که پرنس روس در رفتار و گفتگوهای خود با ایرانیان بکار برد، مزید بر اجبار و خشناکی که از زجر و شکنجه اهالی مسلمان قفقاز بدست روسها می رسید باعث بروز هیجان عمومی در تهران گردید (۳). در این زمان فتحعلی شاه به ناچار در چمن سلطانیه (۴) مجلس از رجال و اعیان، روحانیان و سرداران و سران ایلات و عشایر

ایران آغاز گردید (۸) و بدین عنوان تدریجاً روسها بر سرزمینهای متعلق به ایران غلبه کردند، تا جایی که تبریز نیز سقوط کرد. وضع بدین روی بود و پاسکوویچ همچنان به پیشروی خود ادامه می داد تا اینکه در ربیع الاول ۱۲۴۳ ه. ق. کلنل مک دونالد وزیر مختار انگلیس به اقتضای مصالح دولت متبوع خود برای جلوگیری از پیشرفتهای سریع روسها به تلاش افتاد و به عباس میرزا پیشنهاد کرد که مصلحت دولت ایران در مصالحه با دولت روسیه است. عباس میرزا که خطر را بسیار نزدیک می یافت از پیشنهاد مک دونالد استقبال کرد (۹) و در پی آن در ربیع الاخر ۱۲۴۳ قائم مقام برای انجام مذاکرات مربوط به عقد صلح وارد تبریز شد. در همین ماه منشی سفارت انگلیس و نماینده عباس میرزا به مرند رفتند و از پاسکوویچ تقاضا کردند که محل ملاقات با نایب السلطنه را تعیین کند. پاسکوویچ که از دولت متبوع خود دستور داشت هر چه زودتر عهدنامه صلح را منعقد نماید، فرار ملاقات را در روستای دهخوارقان (۱۰) فرار داد (۱۱). در مجلس مذاکرات دهخوارقان پاسکوویچ قرار صلح را به واگذاری ایالات ایروان، نخجوان، باکو، طالش و مغان و پرداخت بیست کوروشی از طرف ایران مشروط نموده، لیکن بعد از مدتی بحث و تهدید و تحییب از طرفین و با مداخله جان مکدونالد وزیر مختار انگلیس و به علت جنگی که بین روسیه و عثمانی در گرفته بود، پاسکوویچ حاضر شد، مقدار غرامت نقدی را به ده کوروش تخفیف دهد و از تصرف ولایت ماکو صرف نظر نماید و رود ارس بین دولتی ایران و روسیه خط جدید سرحدی باشد (۱۲).

ولی فتحعلی شاه وقتی از این شرایط سنگین آگاه گردید به قبول مصالحه تن در نمی داد و این امتناع در درجه اول به علت لثامت و بیول پرستی او بوده ولی بالاخره و با وساطت مکدونالد، شاه هم که قبلاً از مقابله با دشمن نیرومند بیگناک بود به ناچار این پیشنهاد را پذیرفت.

مذاکرات صلح مجدداً آغاز گشت، این بار در قریه ترکمان چای و از طرف دولت ایران، عباس میرزا، میرزا ابوالحسن خان ایلیچی وزیر امور خارجه و میرزا ابوالقاسم قائم مقام و از طرف روسها پاسکوویچ، گریبایدوف و افسران ستاد وی شرکت داشتند. دکتر جان مک نیل پزشک سفارت انگلیس نیز به عنوان ناظر در مذاکرات شرکت کرده بود. این مذاکرات به جهت اختلاف نظر در مورد مبلغ غرامت که از طرف ایران اصرار بر پرداخت وجه کمتری بود مدتی به طول انجامید، (۱۳) اما بالاخره این مبلغ از طرف روسها همان ۱۰ کوروش مطابق ۵ میلیون تومان تعیین گردید. فتحعلی شاه در این روزها فوق العاده ملول و مکدر و از عباس میرزا ولیعهد که در جنگ با روسها شکست خورده بود رنجیده خاطر و بدگمان بود، با این همه چون استقلال کشور و تاج و تخت خودش در خطر بود، بناچار حاضر شد شش کوروش از مبلغ ده کوروش غرامت را نقداً از خزانه شاهی بپردازد، تا هر چه زودتر معاهده صلح امضا و آذربایجان تخلیه گردد (۱۴). فتحعلی شاه در این رابطه طی فرمانی که برای ولیعهد خود عباس میرزا صادر می نماید به جهت ارمال ۶ کوروش تومان بر او منت گذاشته و اذعان می نماید که وقتی در مقابل چنان شکست و خطائی، چنین بذل و عنایتی از طرف وی به پسرش می شود، پیداست که اگر جزئی خدمت یا پیروزی حاصل می شد، پایه عطایا و نعمات به کجا منتهی می شد، همچنین در همان فرمان این نکته را متذکر می گردد

که از شش کوروش، ۵ کوروش آن انعام و یک کوروش آن وام است تا آن فرزند در مقابل مردمان و ولایتهای قریب دچار بدقولی و بدنامی نشود (۱۵). بدین ترتیب وجه مصالحه رسید و طرفین در دهکده ترکمان چای عهدنامه صلح بین دو کشور را در پنجم شعبان ۱۲۴۳ برابر با دهم فوریه ۱۸۲۸ میلادی امضا نمودند. لازم به توضیح است که بر طبق ماده دوم معاهده ترکمان چای معاهده گلستان لغو می شود و قرارهای جدید بطور کلی در معاهده ترکمانچای منعقد می گردد. جهت تفسیر بعضی مواد عهدنامه، نیز چند عهدنامه جداگانه دیگر به آن الحاق شده که کلاً مشخصات عهدنامه و ملحقات آن به شرح ذیل است:

- ۱- عهدنامه ترکمان چای، مشتمل بر یک مقدمه و ۱۶ فصل می باشد که متن اصلی آن به زبان روسی و فرانسوی (دست نویس) در آرشیو وزارت امور خارجه ایران نگهداری می شود (۱۶).
- ۲- عهدنامه تجارت (در رابطه با فصل دهم عهدنامه اصلی) و مربوط به امور بازرگانی، قضائی، کاپیتولاسیون و امور اتباع طرفین که در همان تاریخ در قریه ترکمان چای به امضای سران دو کشور رسیده است. (اصل این عهدنامه الحاقی نیز در آرشیو وزارت امور خارجه موجود است. مشتمل بر یک مقدمه و به زبان روسی و ۹ فصل به زبان فرانسه و یک نتیجه به زبان روسی. با امضای معاهده مزبور است که دولت روسیه منظور سیاسی خود را که از مدتها قبل در پی آن بود کاملاً تأمین کرد و پایه و اساس قضاوت کنسولی را در ایران استوار ساخت و بر وی نمایندگان خود حقوق و اختیارات خارج از سرحد (بیرون مرزی) با قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) را در ایران دایر نمود (۱۷).



کراف پاسکوویچ - ایروانسکی



گریبایدوف

پایتخت کشور مغلوبی تصور می کرد (۱۹) و علیرغم اینکه در کشور روسیه در جرگه آزادپخواهان قرارداداشت بارفشار خشونت بار خود باعث شد که یک سال بعد از عقد قرارداد ترکمنچای به اتفاق کلیه اعضای سفارتخانه اش (بجز منشی سفارت) به دست مردم رنج دیده تهران به قتل برسد. در آن روزها چون روسیه باعشاینها در حال جنگ بود بر ایرانیان چندان سخت نگرفت (۲۰) دولت ایران نیز چیزی از دلجوئی فرو نگذاشت. در مورد این واقعه عباس میرزا در نامه ای خطاب به میرزاموسی برادر مقالم مقام می نویسد:

..... بالفعل ما کورناه نظران را مظنون است که این کار خوب نشد که چنین شد، اما نیک و بد هر کار را داننده آشکار و نهان بهتر می داند، شاید که چو رایسی خیر تو در آن باشد، اقلا این قدر خیر و حاصلیت دارد که اگر باز به فضل خدا صلی منعقد شود، هر که به سفارت آید این گونه جسارت نتواند کرد (۲۱)».

با اظهار تمایل روسیه و توافق ایران قرار بر این گردید که هیاتی جهت عذرخواهی از قتل گریبایدوف به دربار روسیه اعزام شود و این هیات به ریاست خسرو میرزا پسر هفتم عباس میرزا روانه پترزبورگ شدند. امپراتور خسرو میرزا را با کمال گرمی پذیرفت. خسرو میرزا پس از اظهار معذرت از طرف شاه ایران تقاضا کرد که تزار این واقعه را فراموش کند. نیکلای اول دست خسرو میرزا را گرفت و اظهار کرد که من برای همیشه این واقعه شوم را فراموش می کنم (۲۲).

باید دانست که در ملاقاتی که روی داد (۲۲ صفر ۱۲۴۵) امپراتور مبلغ یک کروور تومان از غرامات جنگی را که دولت ایران به موجب معاهده ترکمان چای می بایستی بپردازد بخشید و این مطلب را در نامه ای که به عباس میرزا نوشت تأیید کرد (۲۳).

و بدین ترتیب واقعه قتل گریبایدوف که می توانست برای دولت روسیه بهانه جنگ باشد با عذرخواهی رسمی ایران پایان پذیرفت و کنیزدالغوروکی به عنوان حائشین گریبایدوف جهت اجرای عهدنامه ترکمان چای و اخذ غرامات جنگی وارد ایران گردید. مطابق فصل دوم قرارداد، غرامات و نخبه سرحدات پادشاه و دولت ایران متعهد به پرداخت ده کروور تومان به دولت روسیه بابت خسارت جنگ بودند. جهت پرداخت این کروورات ایران می بایست که تا ۲۶ رمضان ۱۲۴۳ یعنی ظرف مدت ۵۲ روز هشت کروور از ده کروور غرامت را نقداً بپردازد، (۲۴) ولی چون پرداخت این مبلغ از طرف ایران در این مدت کوتاه غیر ممکن بود، یک صرب الاجل نیز برای ایران تعیین گردید. بطوری که در فصل سوم همین قرارداد آمده است، که اگر خدا نکرده مبلغ فوق که هشت کروور تومان است تا روز نازدهم شهر صفرالظفر سنه ۱۲۴۴ هجری به تمامه تسلیم نشود معلوم بوده و خواهد بود که تمام ولایت ذریابجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت. در همین فصل نیز قید شده است که اگر هفت کروور از طرف ایران پرداخت شود، همه ذریابجان در مدت یک ماه تخلیه و به ایرانیان واگذار می شود. بجز قلعه و ولایت خوری که نایابان وصول کروور هشتم در اختیار اشکار روس باقی خواهد ماند. در مورد نحوه پرداخت هشت کروور به شرحی که فیلا آورده شد، فتحعلی شاه به اجبار شش کروور اشرافی از خزانه خود به ذریابجان ارسال نمود، جهت تهیه دو کروور باقیمانده از هشت کروور و برای آزادسازی ذریابجان از قوای بیگانه عباس میرزا ولیعهد سخت

۳- عهدنامه تشریفات ایلچیان و سفراء، که تفسیر فصل نهم عهدنامه اصلی می باشد در خصوص سفراء و کلای دو دولت.

۴- عهدنامه مربوط به غرامات و سرحدات. این عهدنامه نیز تفسیر فصل ششم و چهارم عهدنامه اصلی می باشد، مثلث بر یک مقدمه و شش فصل و یک نتیجه (اصل این عهدنامه در اوشیرو وزارت خارجه به زبان روسی و فارسی موجود است).

به هر حال به موجب عهدنامه ترکمان چای بعضی از ایالات ایران به روسیه واگذار شد، مقرر گردید ایران مبلغ ده کروور تومان پنج میلیون تومان بابت خسارت جنگ به روسیه بپردازد، سرحد دو کشور از من تعیین شد، عبور و مرور کشتیهای جنگی در دریای خزر منحصر آ به روسیه واگذار گردید و دولت ایران ملزم گردید خیانتهای بعضی از اهالی آذربایجان و یاری آنها را با دشمن بیخشد و با برقراری کنسولگریهای روسیه در نقاط شمالی ایران موافقت کند. در مقابل دولت روسیه حقوق عباس میرزا و اولاد او را نسبت به تاج و تخت ایران به رسمیت شناخت و به این ترتیب عباس میرزا برای خود امتیاز حمایت امپراتور روسیه را نسبت به سایر اعضای قاجاریه بدست آورد (۱۸).

از این پس مصالح حکومت روسیه تزاری ایجاب می نمود که با کشور مغلوب همسایه رابطه سیاسی مطلوبی داشته باشد، زیرا مسائل چندی از جمله موضوع غرامات جنگی و جزو دانت که تکلیف آنها روشن نشده و یا معوق مانده بود و دولت ایران می بایستی در محیطی دوستانه به آنها بپردازد. جهت اجرای این امر الکساندر گریبایدوف که متن روسی معاهده ترکمان چای به انشاء و قلم او بوده، با سمت وزیر مختار به ایران آمد. این مرد، که خود را نماینده دولت فاتحی در

در این زمان عباس میرزا به سبب بیماری از پاشکویج خواست تا تبریز استثنائاً تخلیه نماید تا او قادر باشد در خانه خود به معالجه بپردازد. پاشکویج نیز خواسته وی را پذیرفت و شهر تبریز در ششم رمضان ۱۲۴۳ از قوای روس تخلیه شد، ظاهراً پس از تبریز ولایاتی دیگر از آذربایجان تخلیه شده، زیرا جهانگیر میرزا در کتاب تاریخ نو آورده است که، با پرداخت کرور هفتم توسط فتحعلی شاه ارومیه نیز از رهن خارج می شود و فقط خوی در رهن روسیه باقی ماند. تهیه یک کرور باقیمانده جهت آزادسازی خوی عباس میرزا را سخت گرفتار ساخت. در این برهه به ناچار پاشای انگلستان به میان آمد و از مبلغ مزبور بنا به تعهدی که داشت، (۲۶) بیست هزار تومان پرداخت نمود و عباس میرزا همچنان در صدد تهیه ۳۰۰ هزار تومان باقیمانده بود، تا اینکه حدوداً در محرم ۱۲۴۵ یکصد هزار تومان از کرور هشتم باقی بوده است. در این زمان به ناچار مقداری جواهر به ارزش یکصد و بیست و پنج هزار تومان به عنوان وثیقه یکصد هزار تومان کسری کرور هشتم به روسها سپرده شد و خوی تخلیه گردید (۲۷).

جهت آزاد نمودن جواهرات از رهن روسیه قرار بر این گردید که معادل بخشی از یکصد هزار تومان باقیمانده کرور هشتم غله به روسیه تحویل گردد. اسناد بیانگر این نکته اند که این غله در مواعید متناوب از طرف ایران به روسیه حمل می گردیده است (۲۸) و هر گاه امر ارسال غله از طرف ایران دچار تأخیر می شده، قائم مقام توسط سفیران و نمایندگان روس مورد مواخذه قرار می گرفته و آنها با تهدید و تحقیر خواستار وصول غله می شده اند، چنانچه الفوروکی سفیر روس در نامه ای به قائم مقام خاطرنشان می سازد که اگر تحویل غله از موعد مقرر دیرتر شود، دیگر از بابت کسری کرور هشتم غرامت غله قبول نمی کنیم. همینطور نمایندگان روسیه در زمان تحویل غله، کیفیت آن را در مقایسه با مبالغی که در ازای آن غله دریافت می شده مورد بررسی قرار داده و در صورت تشخیص نامرغوب بودن جنس از طرف آنها، خوراها غله را به این طرف مرز مسترد داشته و ایرانیان را وادار به حمل مجدد آن به ایران می نموده اند (۲۹). گاهی نیز مأمورین ایرانی حمل غله، از شدت ناحواستکی امری که بناچار مجبور به انجام آن بوده اند، یعنی تحویل هزاران خروار غله در هر بار به دشمن، در حالیکه ملت خود گرسنه هستند، بدون اینکه تشریفات تحویل و تحول مرسوم را انجام دهند، غله را در این طرف ارسا رها نموده و قرار می کرده اند و یا همه اتمام و جد و جهدی که تحویلدار روس بکار می برده قادر نبوده که آنها را وادار به تحویل غله بطور رسمی و در آن طرف ارسا بنماید. لذا سفیر روس به قائم مقام اعتراض به این امر می نموده و اذعان به تلف شدن اجناس و تخمیر آنها در زیر باران نموده و آنها را از حساب غرامت خارج می کرده است (۳۰).

در منابع مورد بررسی، جواهراتی را که از طرف ایران در رهن روسیه بوده متعلق به عباس میرزا دانسته اند. اما سندی در دست است که در آن عباس میرزا ضمن دستور نحوه پرداخت بخشی از غرامت روس، اشاره به جواهرات در رهن مانده شاه می نماید و وجهی که در ربیع الاول سال ۱۲۴۶ از طرف شاه برای آزاد سازی این جواهرات پرداخت شده (۳۱). باین تفصیل تا تاریخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۴۶



میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف به ایلچی

هنوز دولت ایران حدوداً مبلغ پانزده هزار تومان وجه نقد و معادل هفت هزار تومان غله، از بابت وجه کسر کرور هشتم به دولت روسیه بدهکار بوده است (۳۲). کرور نهم نیز فرار بود به اقساط پنج ساله پرداخت شود (۳۳) و کرور دهم هم همانطور که قبلاً مذکور گردید از طرف امپراطور بخشیده شد.

بهر حال این شکست موجب شد که خسارات سنگینی بر ایران تحمیل گردد ولی گویا شرایط چنان بوده که گمان بر وضع بدتری می رفته است زیرا عباس میرزا تخلیه ایران را از قوای روس بعد از عهدنامه ترکمان جای گذشته از امداد غیبی، به علت جنگ روس و عثمانی می دانسته و این بزرگترین و قطعی ترین سند و تحلیلی است که از طرف فرمانده قوای مغلوب مسورت گرفته، وی در نامه ای متذکر می گردد که اگر که جنگ بین روس و عثمانی نبود، خدای واحد شاهد است که این طایفه کف خاکی از این ولایت را به هشتاد کرور نمی دادند (۳۴).

باید به این نکته توجه داشت که در مورد علل شکست ایران در این جنگ، یا تحمل چنین شداید و غرامات، هنوز پژوهش همه جانبه صورت نگرفته، البته معنای این سخن آن نیست که برای این شکست توجیهی وجود ندارد، زیرا به نظر می رسد ضعف سیاسی، تشکیلاتی و نظامی ایران و نیروی تکنیکی دشمن یکی از علل اساسی است که منجر به چنین شکست فاحشی گردید. بدیهی است که حکومت قاجار برای مقابله با نیروهای متجاوز همسایه شمالی ناچار از بالا بردن توان رزمی سپاهیان خود به کمک نیروهای غربی بود. کشورهای فرانسه و انگلیس به ترتیب در جنگهای اوّل و دوم به عنوان دوست یا به عرصه این جنگ گذاشتند و در هر دو دوره زمانی که ایران با اتکاب فرارادهایی که با آنان بسته بود وارد عمل می شد، از همراهی سرباز زده، سپاهیان ایران را در صحنه نبرد با خصم نیرومند رها کردند. در جنگ اول ناپلئون به علت صلح با روسیه پیمان فین کن



میرزا ابوالقاسم قائم مقام قزاقی

اشتاین رازیر یا گذاشت. در جنگهای دوم نیز که یکی از عوامل کشیده شدن ایران به آن جنگ ویرانگر، انکا حکومت قاجار به عهدنامه ۱۲۲۹ ایران و انگلیس بوده، این ماجرا تکرار شد، این بار بجای فرانسه، انگلستان، زیرا به موجب فصل سوم و چهارم این عهدنامه انگلیس متعهد گردیده بود که اگر میان دولت ایران و یک دولت اروپائی جنگ واقع شود و شروع جنگ از طرف ایران نباشد، با فرستادن صاحب منصب، سپاه و تجهیزات جنگی به ایران کمک نماید، یا بجای آن مالی دوست هزار تومان وجه نقد به دولت ایران بپردازد. لیکن در جنگ ایران و روسیه به علت توافقهائی که روسیه و انگلیس در جبهه بین المللی با یکدیگر کرده بودند، به بهانه اینکه ایران آغازگر جنگ بوده است نه روسیه، از انجام این تعهدات سر باز زد. این دومین بار بود که ایران به انکائی یک قدرت خارجی در جبهه نبرد و در برابر خصم نیرومندتها می ماند. البته این بدان معنی نیست که عباس میرزا نسبت به سیاستها و برنامه های استعماری انگلیس ناآگاه بوده، وی از آن برنامه ها آگاهی داشته و پیوسته از اجرای آنها در بیم برده است (۳۵). اختلاف نظر میان سرداران، سرسپردگی بعضی از افراد خیانت پیشه به دشمن، پریشانی اوضاع دربار فتحعلی شاه، مخالفت برادران عباس میرزا با وی، افزون بر آنها ثبات و خست شخص شاه که علیرغم تقاضاهای مکرر عباس میرزا نسبت به ارمال آذوقه و سایر تجهیزات نظامی امساک می نمود نیز از عواملی بود که تأثیر آن را بر شکست ایران نمی توان ناچیز شمرد. روی هم رفته نداشتن برنامه های تنظیم شده سیاسی، نظامی حکومت قاجار باعث ایجاد این واقعه ناگوار گردید.

البته علیرغم انعقاد معاهده مزبور، مردم، مأمورین و حتی در بعضی از موارد حکام و سردمداران ایران که تحویل بار این شکست برایشان بسی سنگین و غم انگیز بود در رابطه با اجرای مواد ترکمان چنانی در حد امکان مقاومتهائی از خود بروز می داده اند که ذکر بعضی از آنها خالی از فایده نیست. چنانچه بعضی از افرادی که الزاماً سرزمین مسکونی آنها جزو خاک روسیه قرار گرفته بوده به صورت گروهی به طرف ایران کوچ می کرده اند. از قرار معلوم این مهاجرتهای جمعی موجبات ناخسودی فرماندهان روس را فراهم می آورده و متعاقب آن شکایات مکتوب سفیر روس به قائم مقام را فراهم می آورده است. در یکی از این نامه ها سفیر روس از اتباع ایران در مرز بین دو کشور شکایت می نماید که اهالی آن طرف مرز را تحریک نموده و باعث عویست آنها به محدوده ایران می شوند و جهانگیر میرزا را که از حکام آن سرحدات بوده به دلیل حمایت از این گونه حرکات مذمت نموده و این گونه رفتارها را بطور کلی خلاف عهدنامه دوستی می داند (۳۶). به موجب فصل دهم عهدنامه ترکمان چنانی و عهدنامه تجارنی منضم به آن، گمرک صادر و وارد کالاهای طرفین که به خاک یکدیگر می رفت صدی پنج مقرر گردید، ولی براساس اسناد، اتباع و گمرکچیان این اصل را رعایت نمی کرده و به نحوی برای تجار روس ایجاد اشکال می نموده اند و علیرغم دستور فتحعلی شاه که فقط در یک منطقه از تجار روسی گمرک صدی پنج باید اخذ شود، ایرانیان و گمرکچیان در مناطق مختلف از آنها مطالبه مالیات می نموده اند و گاهی بیشتر از مبلغ تعیین شده.

ذکر این نکته نیز ضروری است که مأمورین ایرانی از تجار روسی مسلمان نصف تجار غیرمسلمان مالیات گمرکی اخذ

می نموده اند و این مطلب به اضافه موارد مذکور در فوق موجبات اعتراض مکرر سفیر روس را فراهم آورده است.

باید توجه داشت که مواردی که مرور اشاره قرار گرفت یک روی ماجرا بوده است، ولی روی دیگر واقعه شکست ایران از روسها آن بود که تا سالها احساسات اهالی سرزمینهای از دست رفته نسبت به ایران و ایرانی لیبیز از عشق بود، عبور ناصرالدین شاه حدود شصت سال بعد از نخبوان و حکایت عواطف پاک مردم آن نقاط نسبت به ایران و ایرانی گویای این مدعاست. وی در خاطرات خود به نقل احساسات و هیجانات عجیب مردم مسلمان آنجا نسبت به خود پرداخته و حالت آنها را تشبیه به روز عاشورا می نماید که مردم از خود بیخود هستند و می نویسند به قدری از روس متنفر و از ایران خوشوقت هستند که اگر به آنها بگویند تمام روسها را که در دهات اطراف هستند قتل بکنند فوراً می کردند (۳۷). سید حسن تقی زاده نیز ضمن اشاره به عبور خود از آن نواحی حدود هفتاد سال بعد از انعقاد معاهده ترکمان چنانی از عشق غریب مردم آن سامان نسبت به ایران و ایرانیان می نماید که در خور تأمل است (۳۸).

بهر حال عوامل ایجادکننده جنگهای ایران و روس، انعقاد معاهده ترکمان چنانی، علل شکست ایران و اثرات زمانبار این شکست در اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی این کشور بقدری گسترده و عمیق است که نه تنها در این مقوله نمی گنجد بلکه علاوه بر منابع موجود نیاز به کنکاش و تحقیقات گسترده تر و همه جانبه در مورد این رویداد مهم تاریخی احساس می شود.



خسرو میرزا پسر عباس میرزا

۱. کوکجه ناحیه ای در حوالی ایروان.
۲. ر.ک. احمد تاجبخش، سیاستهای استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران (تهران: اقبال، ۱۳۶۹ ص ۳۳۶)
۳. جهت آگاهی از سخن خوشونت بازرسی روس، ر.ک. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲ ص ۳۶۳)
۴. در حال حاضر سلطانیه نام یکی از دهستانهای بخش حومه شهرستان زنجان است که چمن بزرگ آن در ارمه قدیم مهم و مشهور بوده است. به چمن سلطانیه ولی فعلا میدان امیتی ندارد. ر.ک. لغت نامه دهخدا، ص ۱۳۱۳ (۱۳۱۳)
۵. ر.ک. حمی آرم پور، از مسافرانیم (تهران: زوار، ۱۳۷۷ ج ۱، ص ۵۲)
۶. میرزا محمدتقی سپهر، تاریخ التواریخ، با مقابله و تصحیح جهانگیر قائم مقامی، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۳۷ ص ۲۱۵)
۷. ر.ک. محمدامین ریاضی، مسافرتنامه های ایران (تهران: انتشارات توس، ۱۳۴۸ ص ۱۳۶)
۸. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت فاجار (تهران: علمی، ۱۳۷۱ ص ۱۰۰)
۹. ر.ک. جهانگیر قائم مقامی، نامه های سیاسی و تاریخی میدالوزراه قائم مقام فراهانی (تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸ ص ۳۶ و نامه شماره ۷)
۱۰. دهخوارقان، آقوشهر کتونی در استان آذربایجان شرقی و از بخشهای تبریزی باشد. ر.ک. حبیب الله شادلوئی، جغرافیای کامل جهان، ص ۲۱۸
۱۱. ر.ک. فتح الله عبدالله برف، گوشه ای از تاریخ ایران، ترجمه غلامحسین متین (تهران: سازه، ۱۳۵۶ ص ۱۶۷-۱۶۹)
۱۲. عباس اقبال آشتیانی و دکتر قاسم غنی، (قرامات معاهده ترکمان چای و جریان پرداخت آن)، یادگار، سال نوزدهم، شماره (مهرماه ۱۳۷۳ ص ۱۱)
۱۳. عبدالرزاق مهرتنگ، مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹ ص ۱۳۶)
۱۴. عباس اقبال آشتیانی و قاسم غنی، همان، ص ۲۲
۱۵. موزالو القاسم قائم مقام فراهانی، منشآت، (تهران: ارسلو، بی تا، ص ۶۰)
۱۶. برای آگاهی کامل از مشخصات عهدنامه ترکمان چای و الحاقات آن (مجموعه چهار عهدنامه)، ر.ک. راهتسا و مشخصات معاهدات دو جنبه ایران با سایر دوز، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲-۱۸۴ همچنین برای دستیابی به متن کامل این چهار عهدنامه (لاتویسی شده) ر.ک. فاطمه قاضیهان اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمان چای، (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶ ص ۱۴۹-۱۵۲)
۱۷. ر.ک. علی اکبر بیاض، تاریخ سیاسی و دیپلماتی ایران (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ص ۱۲۹)
۱۸. ر.ک. عبدالرزاق مهرتنگ، مهدوی، همان، ص ۳۳۷
۱۹. ر.ک. محمدامین ریاضی، دو نامه مهم سیاسی و تاریخی از عباس میرزا لایب السلطنه، یادگار، دی ماه ۱۳۲۶، ص ۱۵
۲۰. ر.ک. نهورس آدیمت، تفصیل هیأت انتخاب نمایندگان ایران، یادگار سال اول، شماره ۸، ص ۳۷
۲۱. ر.ک. محمدامین ریاضی، همان، ص ۲۲
۲۲. احمد تاجبخش، همان، ص ۲۶۱ به نقل از: Amin Savvin - مسافرت بطریق روس، ص ۱۲
۲۳. جهانگیر قائم مقامی، نکاتی درباره قتل گریبایدوف، بررسیهای تاریخی، انفر و اسفند ۱۳۶۸، ص ۲۶۵
۲۴. بر طبق فصل دوم عهدنامه مزبور برای پرداخت ده کرور از کرورات دهگانه نازجب ۱۳۶۵ برابر با اوروپ ۱۸۳۰ مهلت داشت، پس مسئله حاد غرامت که دولت ایران در صدد تهیه آن بود هشت کرور آن بود.
۲۵. ر.ک. عباس اقبال آشتیانی و قاسم غنی، همان، ص ۲۸
۲۶. ر.ک. عهدنامه ایران و انگلیس، محمود محمود تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس (تهران: اقبال، ۱۳۶۲ ج ۱، ص ۱۶۸-۱۷۰)
۲۷. ر.ک. جهانگیر قائم مقامی، مسئله غرامات ایران و روسیه، بررسیهای تاریخی، سال مهم آردوین و اردیبهشت ۱۳۵۲، ص ۲۸۱، به نقل از مرفع قیروز به شماره ۲۵۴ در کتابخانه مجلس شورای ملی.

۲۸. جهانگیر قائم مقامی، همان، ص ۲۹۱، به نقل از مجموعه اسناد دولتی به شماره ۳۳۰۶ در آرشیو وزارت امور خارجه ایران.
۲۹. سند شماره یک در این مجموعه، سازمان اسناد ملی ایران، اسناد بیوتات، آلبوم ۱۷۱ ص ۶۳۹
۳۰. سند شماره ۲ در این مجموعه و سازمان اسناد ملی ایران، اسناد بیوتات، آلبوم ۱۷۱ ص ۶۴۰
۳۱. ر.ک. فاطمه قاضیهان اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمان چای (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶ ص ۵۴ و ۵۵ و ۵۷)
۳۲. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد بیوتات، آلبوم ۱۷۱ ص ۶۴۵
۳۳. جهت آگاهی از نحوه پرداخت کرور نهم، ر.ک. جهانگیر قائم مقامی، مسئله غرامات جنگ دوم ایران و روسیه، بررسیهای تاریخی، شماره ۲، سال نهم (خرداد و تیر ۱۳۵۲) ص ۲۰۷-۲۱۲
۳۴. ر.ک. محمدامین ریاضی، همان، ص ۲۲
۳۵. ر.ک. عبدالهادی حاتری، نخستین روابط دیپلماتیک ایران با روسیه و روسیه قزاقستان، بوداوازی غوب (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۲ ص ۴۶۰-۴۶۱)
۳۶. ر.ک. فاطمه قاضیهان اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمان چای، همان، ص ۵۳ ۹۲ و ۹۳
۳۷. ر.ک. فاطمه قاضیهان اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمان چای، همان، مقدمه ص ۱۱
۳۸. سید حسن تمی زاده، زندگی طوقانی، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲ ص ۱۶-۱۷)

[نامه سفیر روس به عباس میرزا در مورد نحوه تحویل غله بابت غرامت جنگ و ...]

اعلیجاه، بلندجابهگاه، رونق افزای و ساده شوکت، و عظمت و اقتدار زینت بخش
اریکه شهرت و حشمت و اختیار، فروزان اختر سپهر مکرمت و تاجداری

حضرت نواب مستطاب، نایب السلطنه العلیه العالیه را بعد از اظهار مراسم ارادت و صداقت معروض می دارد، که مخلص به زیارت رقم مبارک نواب اشرف والا اشرف شده در شانزدهم شهر حال. این که مرقوم رفته بود که تحویل دهندگان غله و همچنین پول را در کرانتین نگه می دارند. حقیقت ناخوشی که الان در ایران موجود است، ما را لایق می کند که لازمه احتیاط را مرعی داشته، قراری منظور نماییم که ناخوشی مزبور به حدود ما هم سرایت نکند، لکن چون در هر باب می خواهیم که رای نواب اشرف والا را به عمل آورده باشیم، لهذا مخلص به تحویلداران روسیه حکم می نماید که اهتمام و جد و جهد تمام خود را ظاهر داشته، غله منقول و بخصوص پول را در خود کرانتین تحویل گیرند. سخنی بر خود لازم می داند که به عرض نواب اشرف والا رساند که بزرگ کمبسیای عباسیه یک نفر بولکونیک بسیار خدمت کننده ایست که به کثرت و حائسی خدمت خود تعطیل التفات دولت خود را نموده است. همه اشیاء و اجزای کمبسیای مزبور مردمان صاحب اعتبار می باشد. لهذا جستار کرده نواب اشرف والا را مطمئن می سازم که آنها قدرت ندارند که سختگیری و مزاحمت به هر طور که باشد، بکنند. بلکه به دقت تمام همین فرض خودشان را به عمل می آورند. بنابر آن بحتمل اکثر اوقات نمی توانند غله را که به آنها می آورند قبول نمایند، زیرا که نه به آن خرابی می باشد که باید باشد. نواب اقدس والا کمال عدالت دارد و راضی نخواهند شد که غله را بدون ملاحظه تحویل گیرند. علاوه بر آن در صورتی که به هر خرواری چهار تومان داده شود، ما حق داریم که غله خوب مطالبه نماییم. بانجمنه مخلص در این باب به حقیقت رسیده چگونگی را به نواب اشرف والا معروض خواهد داشت. در باب تعطیل و دفع الوقت اتمام این امر باید به آن نواب مستطاب والا معروض دارم که مخلص به جناب قائم مقام قلمی داشته بود که در انقضای مدت شش هفته هیچ یک از تحویل دهندگان در عباسیه و نخجوان ظاهر نبودند. در این صورت این تعطیل از طرف ما صادر نمی شود، همان جمله این انصال موافق قرارداد و به موجب تعهدات مکرره جناب قائم مقام و همچنین آن نواب اشرف والا بایست در سال گذشته تمام شده، اما تا حال به تأخیر افتاده است. لهذا به غوررسی آن حضرت والا مرتبت رجوع می نمایم که به حقیقت برسند، که آیا این تعطیل را باعث چیست؟ و در باب این که نواب اشرف والا مرقوم فرموده بودند که بزرگ نخجوان از سرحد تجاوز نموده داخل و تصرف به کارهایی که داخل به او ندارد می نماید. مخلص باید به توضیح شایان و احترام فراوان از نواب اشرف والا استدعا نماید مقرر فرمایند که مخلص را مطلع و معیر نمایند که آیا کدام صاحب منصب به اسم این امر را مرتکب شده؟ در عباس آباد یک نفر کماندانت و یک نفر بزرگ نسون که بولکونیک دولزین السکی باشد، در نخجوان پریستاف مایور را تصرف است و حاکم ولایت ارمن زمین عالیجاه کنیزبیونوف که در ایروان می نشیند. کدام یک از آنها فی الحقیقه از سرحد تجاوز می کنند و بطور رفتار به خود رخصت می دهد؟ معلوم نماید. نواب اقدس والا نمی تواند تشکیک نماید که به مجرد وصول این خبر بدون عذر به این صاحب منصب، خطاب و عتاب سخت شده، قراری گذاشته خواهد شد که اگر چنین عمل بود، در ما عذر به تزلزل ایجاد نشود. مخلص می تواند آن نواب اشرف والا را مطمئن نماید، که در هیچ جا شرط و عهدنامه را مثل ما مرعی و ملحوظ نمی دارند و هیچ یک از صاحب منصبان ما خلاف اینها را نمی کنند، مگر اینکه به بازخواست عقیم گرفتار می شود. مخلص یقین دارد که نواب اشرف والا خود در این باب دولت ما را محق می داند، باقی از دیاد عمر و دولت نواب والا را خواهان می باشیم.

تحریر فی ۱۶ شهر ربیع الاول ۱۲۴۶

دالغورویکی

دستخط کتبا دالغورویکی

در حاشیه نوشته شده است: جواب این را درست نوشته مهر کردیم.

[متن پشت سند: اعلی‌جاه بلند جایگاه، رونق‌بخش اربکه شوکت و عظمت و اقتدار، نواب مستطاب، نایب‌السلطنه العلیه‌العالیه دام‌اجلاله مشرف‌شود.]

سند شماره ۶

[نامه سفیر روس به قائم‌مقام در مورد بی‌نظامی در مورد رساندن غله تحویلی غرامت جنگ و....]

جناب مجددت و معالی نصاب، اتابک اعظم، قائم‌مقام دولت علیه ایران،
دوست عزیز و مشفق مهربان

کمیای که برای تحویل گرفتن غله، که از دولت بهیبه ایران فرستاده می‌شود تعیین گردیده است. به دوستدار اظهار می‌نماید که با همه مواعید و تعهدات درباب رساندن غله، تا حال شروع نشده است. هر چند که علی‌اکبر نام تحویلدار خوی، به کمیسا اظهار نموده است که بارهای فراوان غله از ولایت خوی روانه شده است و امیدوار است که در این زودی، غله که از دولت علیه ایران باید برسد، به انبار عباسی آباد حمل و نقل خواهد شد. اما این اوقات مشارالیه اظهار کرده که قریب به هزار بار غله که اهالی خوی آورده‌اند در آن طرف آب ارس انداخته، ایشان و گماشتگان علی‌اکبر مزبور فرار کرده‌اند و با اهمیت و جد و جهد، تحویلدار مزبور نتوانسته است، که اهالی مذکور را واداشت نماید، که غله مزبور را به این طرف ارس حمل و نقل نمایند. تحویلدار مشارالیه در این باب شکایت به کمیسا نموده اظهار کرده است، که او به تلف شدن غله ضمانت نخواهد کرد. لهذا کمیسای مزبور برای تحصیل نمودن یقین، به قرانظین که در حوالی عباس آباد واقع است روانه شده، در حقیقت ملاحظه کرده در آن طرف ارس چند حوال که تقریباً از پانصد حوال نبوده‌اند و مشخص نبوده که آیا غله است یا چیز دیگر. بدون این که نگهبان در سر آنها باشد داده. چون کمیسا به جهت وقوع قرانظین در قوه نداشت که معاونتی به تحویلدار مزبور در آن طرف ارس نماید، از دوستدار التماس می‌کنند که درباب فرار نمودن غله آورندگان، همچنین در خصوص بی‌نظامی لایتنس، که در رسانیدن غله اتفاق می‌افتد به دولت علیه ایران اظهار سازم. هر چند دوستدار امیدوارم، که به ورود شش‌هزار مرسولنی از آنجا برای حمل و نقل غله مزبور قراردادی مضبوط گذاشته می‌شود، لکن بر خود لازم می‌دانم که آن جناب را از این مقدمه، که می‌تواند به تلف رفتن و ضایع شدن غله که در این طرف ارس ریخته شده است، بااعت گردد مستحضر سازم. دوستدار محض به ملاحظه صلاح دولت علیه ایران از آن جناب با تواضع شایان درباب قرارداد قطعی و صریح رفع این گونه بی‌نظامی التماس می‌نمایم. علاوه بر این نمی‌توانم که التماس نواب مستطاب نایب‌السلطنه العلیه و آن جناب را به ملاحظه این قدر ضول کشیدن حمل و نقل غله، که ما را آید کرده است که صاحب منصبان چند راز شغل خود گذاشته، در عباس آباد نگهداریم نگارم [؟] او قطع نظر از این زمستان که در پیش است، می‌باید بتواند که مجدداً در رسانیدن غله مانعی پیش آرد و این افعال را به آن سال آینده طول دهد. حقیقت هر چند ماثر [؟] قرانظین مفتضی بود که در رساندن غله تأخیری به عمل آید، لکن در عرض پنج ماه چیزی متجاوز این قدر معطلی ممکن نبود. به موجب مواعید مزبوره و همچنین موافق مطالبه جناب جلالت انساب فلذما شال‌غراف پاسکویچ، از آن جناب به احترام تمام التماس می‌نمایم، که به نواب مستطاب نایب‌السلطنه عرض نمایند، که خواهش دولت ما این است، که دولت علیه ایران بلا تأخیر قرار مضبوط و مؤثر در باب انجام غله تا حصول قسب زمستان آینده بگذارند. در حقیقت به عمل نیاوردن این گونه خواهش حقانه دولت ما به اویسیار ناگوار خواهد شد. دوستدار یقین دارد که آن جناب سببهای ما را معتر دانسته، تمامی قوت و قدرت خود را در کار خواهد دانست که مقصود متروقی به عمل آید، باقی ایام عزت و حرمت برقرار باد.

حرر فی ۱۹ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۴۶
دستخط کنیاز دولفوروکی

